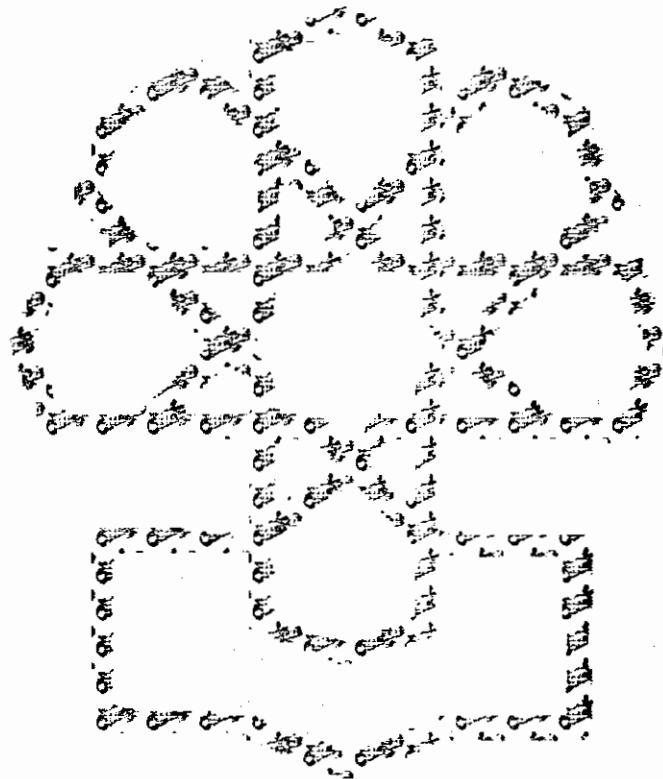




نظری اجمالی بر

ابهامات و مشکلات قانون انتخابات مجلس



معاونت پژوهشی

تیر ۱۳۷۶

کار: دفتر بررسی‌های حقوقی

این مطالعه حسب درخواست شماری از نمایندگان محترم
مجلس شورای اسلامی انجام شده است.

کد گزارش: ۳۳۰۱۷۹۴

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد: ...
شماره: ۲۰۱۵
تاریخ: ۷۷/۵/۵

انتخابات مجلس شورای اسلامی نمونه بارز مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و دخالت در ارکان حکومت و حضور آنها در صحنه‌های سیاسی کشور است. انتخاب نمایندگانی برای حضور در مجلس شورای اسلامی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی کشور و قوه مقننه بسیار حائز اهمیت می‌باشد و به همین جهت ملاحظه می‌گردد که مسائل و مشکلاتی در زمان انتخابات بروز می‌نماید و قوانین و مقررات موجود نیز به‌علت نواقص و کاستی‌های موجود نتوانسته است جریان انتخابات را به‌گونه‌ای منظم و قانونمند کند. گزارش حاضر به بررسی اجمالی ابهامات و مشکلات قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته است. لازم به تذکر می‌باشد که در راستای بررسی نظرات تمامی احزاب و گروه‌های سیاسی و اشخاص از آنها نظرخواهی شده است که متأسفانه از این میان تنها نظرات مکتوب در موارد ذیل واصل گردیده است:

۱- جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران؛

۲- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی؛

۳- گزارشی بی‌نام تحت عنوان تذکره‌نامه شماره ۱۰۷ به نشانی صندوق پستی ۸۱۳۹۵/۵۶۵

بدیهی است که در تمامی موارد مذکور در این گزارش دیدگاه‌های تفصیلی نیز وجود دارد که امید است با دریافت نظرات سایر احزاب و گروه‌های سیاسی و اشخاص و دست‌اندرکاران امر انتخابات گزارش تکمیلی تنظیم و تدوین گردد.

۱- نظارت استصوابی و عام شورای نگهبان

یکی از مشکلات اساسی و عمده که توسط برخی از گروه‌های سیاسی و جناح‌ها مطرح شده در خصوص اعمال نظارت شورای نگهبان می‌باشد. به اعتقاد این عده نظارت استصوابی منجر به اعمال سلیقه‌های شخصی و دو مرحله‌ای شدن انتخابات می‌گردد. به نظر اینان مناسب است که مردم خود از میان نامزدها فرد صالح را انتخاب کنند، نه این‌که در ابتدا شورای نگهبان دست به انتخاب زده و صلاحیت عده‌ای را اعلام نماید و مردم از میان اشخاصی که صلاحیت‌شان توسط شورای نگهبان تایید شده است نمایندگانی خود را انتخاب کنند. در هر حال بحث نظارت استصوابی یکی از عمده‌ترین نقاط اعتراض پاره‌ای احزاب و گروه‌های سیاسی است.^۱

البته با عنایت به اصل ۹۹ قانون اساسی شورای نگهبان نظارت بر کلیه انتخابات کشور را بر عهده دارد و با عنایت به این‌که اصل ۹۸ قانون اساسی تفسیر قانون اساسی را بر عهده شورای نگهبان گذارده است، در تعیین نوع نظارت، شورای نگهبان نظارت خود را استصوابی دانسته است و با عنایت به مبانی قانونی ایرادی در این نوع دخالت در انتخابات نمی‌باشد. مع‌ذلک مناسب است برای رفع هرگونه شبهه‌ای ضابطه‌ای روشن برای

۱. در نظرخواهی به عمل آمده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بر این امر تأکید نموده است.

چگونگی نظارت استصوابی شورای نگهبان تدوین شود تا حداقل کسانی که صلاحیت شان رد می شود به نحو روشنی علت آن به کاندیداها اطلاع داده شود.

مضافاً بر این مهلتی که برای رسیدگی به صلاحیت کاندیداها وجود دارد که برای هیئت اجرایی شروز (ماده ۵۱) و برای هیئت نظارت نیز ۵ روز (ماده ۵۳) می باشد. با عنایت به مواردی که در انتخابات دوره پنجم به لحاظ کثرت داوطلبان مشاهده گردید و به ویژه هیئت نظارت نیز بر این امر تأکید نمود، مناسب است تا کاندیداها اوراق و برگه های خاصی را جهت اثبات صلاحیت خود ارائه دهند و ثانیاً مهلت زمانی برای رسیدگی به صلاحیت داوطلبان به گونه ای افزایش یابد که با تعداد داوطلبان تناسب داشته باشد در این خصوص مهلت زمانی ۱۵ روزه مناسب تر است و برای این امر وزارت کشور باید تدارکات خود را برای شروع انتخابات زودتر آغاز نماید.^۱

۲- قرعه

بر اساس تبصره ۱ ماده ۸ در مواردی که آرادو یا چند نفر از نامزدها مساوی باشد ملاک انتخاب قرعه خواهد بود. به نظر می رسد انتمال قرعه شیوه چندان مناسبی نمی باشد و چنانچه انتخابات در مرحله اول است و هر دو کاندید نصاب آرا را به دست آورده اند در این صورت هر دو کاندید در انتخابات مرحله دوم شرکت نمایند و استفاده از قرعه منحصر به مرحله دوم انتخاب شود.

۳- تمدید انتخابات توسط وزیر کشور

در تبصره یک ماده ۱۱ تشخیص ضرورت و مدت تمدید اخذ رأی در یک حوزه یا سراسر کشور به عهده وزیر کشور است. به نظر می رسد با عنایت به این که وزارت کشور خود دستگاه مجری انتخابات است، مناسب است در تشخیص ضرورت تمدید و میزان آن شورای نگهبان نیز به عنوان ناظر انتخابات در این امر دخالت داشته باشد و این امر مهم و حساس تنها به وزیر کشور واگذار نگردد.

۴- اعلام جرایم انتخاباتی

در ذیل ماده ۱۷ مقرر شده که قوه قضائیه موظف است در هر استان شعبه ای از محاکم عمومی را برای رسیدگی به تخلفات نیروهای نظامی و انتظامی در انتخابات تعیین نماید، مع ذلک چگونگی اعلام جرم و پیگیری و رسیدگی آن مشخص نمی باشد. مناسب است در خصوص جرایم داخل حوزه های انتخاباتی اعلام جرم از سوی رئیس شعبه یا نماینده ناظر شورای نگهبان به عمل آید.

۵- عدم احتساب آرای ناخوانا

بر اساس تبصره ذیل ماده ۱۸ قانون انتخابات در حوزه هایی که تعداد نمایندگان مورد نیاز بیش از یک نفر باشد، فقط اسامی ناخوانا باطل خواهد شد. از مفهوم این تبصره استفاده می شود که در سایر موارد که در بندهای چهارگانه ماده ۱۸ درج شده است این آرا باطل نخواهد شد از جمله مواردی که آرا از طریق خرید و فروش به دست آمده باشد و ... که این نتیجه از این حیث که مبنای تبصره ذیل ماده ۱۸ چندان روشن نیست،

۱. کمبود مهلت زمانی رسیدگی به صلاحیت داوطلبان بارها توسط حضرات آیات جنتی و امامی کاشانی در خطبه های نماز جمعه تصریح شده و از جمله جمعیت زنان جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در نظرخواهی به عمل آمده بر آن تأکید کرده اند.

دلایلی برای این تبصره به ذهن نمی رسد و می تواند حذف گردد.

۶- تعیین تکلیف تشابه اسامی در آرا

براساس تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون انتخابات چنانچه آرای ریخته شده به صندوق به علت تشابه اسامی نامزدها قابل تشخیص و تفکیک نباشد به نسبت آرا نامزدهای دارای تشابه اسمی میان آنان تقسیم می شود و در مورد رأی یا آرا باقیمانده غیر قابل تقسیم به حکم قرعه عمل خواهد شد. مناسب است قابلیت تشخیص و تفکیک براساس ضابطه مشخصی نظیر اسم کوچک، اسم بزرگ، لقب و ... تعیین شود، تا براساس سلیقه ای عمل نشود. از سوی دیگر آرای که غیر قابل تقسیم و تعیین است براساس تبصره با قرعه تعیین تکلیف می شود. این نحو عمل چندان مناسب برای انتخابات نمی باشد که در آن نماینده باید با رأی مستقیم مردم انتخاب شود. بدین ترتیب مناسب است که در مواردی که امکان تقسیم آرا وجود ندارد، انتخابات مجدداً برگزار شود، چرا که قرعه اگرچه تکلیف را روشن می سازد مع ذلک اراده واقعی مردم را معلوم نمی سازد.

۷- اعلام نتایج انتخابات

در ماده ۲۴ مقرر شده که فرمانداران و بخشداران مراکز حوزه های انتخابیه موظفند پس از خاتمه رأی گیری و شمارش آرا نتایج حاصله را با هیئت های نظارت حوزه های انتخابیه خود تطبیق داده و طی صورت جلسه ای به وزارت کشور و شورای نگهبان ارسال و سپس از رسانه های گروهی اعلام نمایند. به نظر می رسد برای رفع هرگونه شبهه مناسب است که وزارت کشور متصدی این امر باشد و اعلام را منوط به تأیید مراتب توسط شورای نگهبان نماید. در غیر این صورت چه بسا انتخابات حوزه های با مشکل روبرو باشد ولی فرمانداران و بخشداران نتایج را توسط رسانه های گروهی اعلام نمایند که بدیهی است این امر مشکل زا خواهد بود.

۸- تقسیم بندی شهرهای بزرگ به حوزه های کوچک

مشارکت مردم در انتخابات در شهرهای بزرگی که از حیث جغرافیایی مناطق وسیع و متعددی را شامل می شود دشوار است. به روشنی معلوم است که در شهری مانند تهران که ۳۰ نماینده باید توسط مردم انتخاب شوند، شناخت تمامی این افراد از میان کاندیداهای متعدد واقعاً دشوار است. لذا پیشنهاد می شود که در شهرهایی که نمایندگان متعددی مثلاً بیش از ۵ نماینده باید انتخاب شوند، شهرها به حوزه های کوچکتری تقسیم شوند تا مشکل شناخت و انتخاب مردم نیز رفع شده و انتخاب به طریق سهل تری صورت پذیرد. در این مورد می تواند ضابطه ای را برای تقسیم برحسب مورد به نسبت مساحت و جمعیت در نظر گرفت و چگونگی تقسیم را بر عهده وزارت کشور قرار داد.

۹- شرط سنی انتخاب کنندگان

در بند ۲ ماده ۲۷، ورود به سن شانزده سالگی معیار سنی انتخاب کنندگان است. به روشنی معلوم نمی باشد که ضابطه انتخاب چنین معیاری چیست؟ چرا که شرط سنی از حیث شرعی سن بلوغ می باشد و قید ۹ سال قمری برای دختران و ۱۵ سال قمری برای پسران صرفاً یک آماره شرعی در کنار سایر نشانه های شرعی بلوغ

است. لذا معیار ورود به ۱۶ سالگی در قانون انتخابات همان ۱۶ سال قانونی بر اساس سال شمسی می باشد که معیار شرعی نیست. مضافاً بر آن که سن (۱۶) سالگی سن چندان مناسبی برای تشخیص شرایط و مقتضیات سیاسی، اجتماعی کشور نمی باشد. بر این اساس برای مشارکت سیاسی مناسب است که سن بالاتری در نظر گرفته شود که در این خصوص سن ۱۸ سالگی سن مناسب تری است.

۱۰- شرایط انتخاب شوندهگان

در ماده ۲۸ قانون انتخابات در زمره شرایطی که انتخاب شوندهگان باید در هنگام ثبت نام دارا باشند مواردی بر شمرده شده از جمله؛

- اعتقاد و التزام عملی به اسلام؛

- اعتقاد و التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی ایران؛

- ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مرفقی ولایت مطلقه فقیه؛

تشخیص این امر بدیهی است که بدین لحاظ که نظارت استصوابی بر انتخابات به عهده شورای نگهبان است بر عهده این شورا قرار دارد. مع ذلک مناسب است به نحو روشنی مفهوم التزام عملی و ابراز وفاداری روشن شود. بدیهی است که تعیین ضابطه‌ای برای آن می تواند مانع اعمال نظر و اختلافات شود. چرا که هم اکنون نیز اعمال این اختیارات توسط شورای نگهبان با واکنش های مخالف جناح ها و احزاب و گروه های سیاسی روبرو شده است. بدیهی است که وجود ضابطه‌ای روشن برای این امر اولاً چگونگی احراز آنها را تسهیل نموده و ثانیاً مانع اعمال نظرات شخصی در برداشت از قانون می شود و موجبات اختلاف نظرات را بر طرف خواهد ساخت.

۱۱- اشخاصی که به واسطه مشاغلشان حق داوطلب شدن ندارند

در ماده ۲۹ اشخاصی بر شمرده شده اند که به واسطه مقام و شغل خود از داوطلب شدن محروم اند. اولاً علت تفکیک بندهای (۱) و (۲) در این ماده به روشنی معلوم نمی باشد. ثانیاً چنانچه این اشخاص به دلیل موقعیت شغلی خود و یا در اختیار داشتن امکانات و اموال دولتی به مصلحت نمی باشد که پیش از این که چهار ماه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفاء نموده و به هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند، خود را داوطلب نمایندگی نمایند. بر این اساس اولاً بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۹ می تواند در هم ادغام شده و ضمناً موارد دیگری به مشاغل فوق افزوده شود از جمله:

۱- رئیس بنیاد مستضعفان و مدیران این بنیاد در هر استان؛

۲- رئیس بنیاد ۱۵ خرداد و مدیران این بنیاد در هر استان؛

۳- رئیس بنیاد شهید و مدیران این بنیاد در هر استان؛

۴- رئیس کمیته امداد امام و مسئولان این کمیته در هر استان؛

۵- مدیران عامل کلیه شرکت ها و موسساتی که اموال آنها جزء اموال عمومی تلقی می شود.

۶- اعضای شوراها و کمیته هایی که در هر استان یا شهرستان دارای نفوذ زیادی هستند از جمله اعضای

کمیته برنامه ریزی استان و شورای شهر و....

۱۲- هیئت اجرایی انتخابات

به موجب ماده ۳۱ اعضای هیئت اجرایی مرکب است از هیئت نظارت شورای نگهبان، رئیس ثبت احوال و نه (۹) نفر معتمدین که براساس ماده ۳۳ توسط فرماندار یا بخشدار انتخاب و به هیئت نظارت معرفی می شوند و لزوماً باید دو نفر آنها روحانی باشد.

با عنایت به این که در گذشته و پیش از اصلاح قانون انتخابات در سال ۱۳۷۴ دادستان یا نماینده وی نیز عضو این هیئت بود و عضویت این فرد به عنوان یک فرد خبره در مسائل حقوقی می تواند به دقت بیشتر در امر انتخابات کمک کند مناسب است به جای دادستان، رئیس حوزه قضایی نیز به عضویت هیئت اجرایی درآید.

مضافاً بر آن هم چنان که در ماده ۳۳ مقرر گردید که معتمدین دو نفر روحانی باشند، به لحاظ مشارکت آحاد مردم معتمد در این هیئت می تواند ترکیب هیئت به نحو مشخصی تعیین گردد مثلاً:

۱- دو نفر استاد دانشگاه

۲- دو نفر روحانی

۳- دو نفر از کسبه و بازاریان و صنوف

۴- دو نفر از پزشکان

این ترکیب موجب دخالت همه اقشار زا به ویژه تأمین خواهد کرد.

همچنین به موجب ماده ۳۳ قانون انتخابات جهت تعیین معتمدین، فرماندار یا بخشدار باید سی نفر از معتمدین محلی را به هیئت نظارت معرفی نمایند. به نظر می رسد که به جای فرماندار یا بخشدار مناسب است که شورای شهر و یا شورایی مرکب از مسئولین محلی و منتخبین مردم به این امر اقدام نمایند. با اجرای قانون شوراها شهر به نظر می رسد بهترین شیوه و ترکیب هیئت نظارت، عضویت فرماندار یا بخشدار (به تناسب حوزه انتخابیه)، رئیس ثبت احوال، رئیس حوزه قضایی و تعداد ۸ نفر از معتمدین به انتخاب شورای شهر است.

۱۳- نصاب تشکیل جلسات

براساس ماده ۳۸ نصاب جلسات هیئت های اجرایی اصلی و فرعی دو سوم کلیه اعضا و اخذ تصمیم اکثریت مطلق حاضرین می باشد. با عنایت به این نکته که براساس ماده ۳۱ هیئت اجرایی انتخابات متشکل از هیئت نظارت شورای نگهبان، فرماندار یا بخشدار و عضویت رئیس ثبت احوال و نه (۹) نفر معتمد می باشد، مناسب است نصاب مندرج در ماده ۳۸ یعنی نصاب $\frac{2}{3}$ به گونه ای اصلاح شود که تعداد مربوطه عدد صحیح درآید و یا به جای ذکر نصاب $\frac{2}{3}$ عدد خاصی نظیر ۹ نفر ذکر شود.

۱۴- محل اخذ رأی

در تبصره ۳ ماده ۴۱ مقرر گردیده که تشکیل شعب ثبت نام و اخذ رأی در موزه ها ممنوع می باشد. به نظر می رسد جهت رعایت احکام شرع مقدس و ممانعت از ورود اشخاصی که به دلیل عذر شرعی حق ورود به مساجد را ندارند و از بین بردن زمینه ارتکاب این فعل حرام مناسب است «مساجد و اماکن و بقاع متبرکه» نیز به این تبصره افزوده شود.

۱۵- عزل اعضای هیئت نظارت

در ماده ۵۵ قانون انتخابات مقرر شده که چنانچه اعضای هیئت‌های نظارت از قوانین و مقررات تخلف نمایند عزل می‌گردند، مناسب است که مقرر شود مکانیسمی برای اعلام جرم و رسیدگی قضایی در مواردی که تخلف مرتکبه صدق عناوین مجرمانه می‌کند پیش‌بینی گردد.

۱۶- مدت تبلیغات

به موجب ماده ۵۶ مدت تبلیغات از ۸ روز قبل از اخذ رأی آغاز و تا ۲۴ ساعت قبل از روز اخذ رأی ادامه خواهد داشت، یعنی در عمل نامزدها مهلتی معادل ۷ روز رابرای تبلیغات فرصت دارند. مع‌ذلک به نظر می‌رسد که این مدت در شهرهای بزرگ برای معرفی نامزدها و انتخاب مردم کافی نمی‌باشد. این امر به نحو روشنی در خصوص انتخابات مجلس دوره پنجم که در تهران ۴۰۱ نفر کاندید نمایندگی وجود داشت قابل مشاهده بود. بنابراین مناسب است که مدت تبلیغات براساس بزرگی و کوچکی شهرها تعیین شده و یا به نحو ثابتی در کلیه کشور ۱۰ روز تعیین گردد. این امر اولاً موجبات تبلیغ بیشتر و معرفی نامزدها را فراهم نموده و ثانیاً از جنبه‌های منفی تبلیغات زیاد هم ممانعت می‌نماید.

در عین حال ضروری است که کنترل دقیقی بر مطبوعات و جراید و سایر رسانه‌های عمومی جهت ممانعت از تبلیغات پیش از موعد به عمل آید تا کاندیداهای نمایندگی همگی فرصت یکنواختی را در جهت معرفی خود و تبلیغات داشته باشند. ضمناً جهت ایجاد فرصت در جمع‌آوری امکانات تبلیغاتی بعد از سه روز از اعلام رسمی نامزدها آغاز شود تا کاندیداهایی که به علت اعتراض به رد صلاحیت فرصت مناسبی نداشته‌اند وضعیت مشابه سایر کاندیدها داشته باشند.

۱۷- تبصره‌های ذیل ماده ۵۶

تبصره یک ذیل ماده ۵۶ ناظر بر رد صلاحیت داوطلبان هیچ‌گونه ارتباطی با ماده ۵۶ که ناظر بر بحث تبلیغات است ندارد، لذا پیشنهاد می‌شود که تبصره فوق به ذیل ماده ۵۲ افزود شود. همچنین در تبصره ۲ ماده فوق مناسب است که عبارت فرماندهان قضایی به مسئولان دستگاه‌های قضایی اصلاح شود.

۱۸- تبلیغات توسط دستگاه‌های دولتی و خطابه‌های نمازجمعه و ...

در ماده ۵۸ مقرر شده که انجام هرگونه فعالیت تبلیغاتی از تاریخ اعلام رسمی اسامی نامزدها له یا علیه نامزدها توسط دستگاه‌های نامبرده شده در این ماده ممنوع است، به نظر می‌رسد قید از تاریخ اعلام رسمی نامزدها غیر ضروری است، زیرا مفهوم مخالف آن می‌رساند که قبل از تاریخ مذکور بلامانع است، در حالی که به نحو واضحی مقصود قانونگذار این امر نبوده است.

۱۹- تبلیغ توسط ادارات و سازمان‌ها و ...

به موجب تبصره ۲ ماده ۵۸ ادارات و سازمان‌ها و ارگان‌ها و ... و اعضای آنها حق ندارد له یا علیه هیچ‌یک از نامزدهای انتخاباتی اعلامیه، پلاکارد بدهند. جهت این‌که شاید انواع دیگری تبلیغ باشد که در سه

مصدقات ذکر شده قرار نگیرد مناسب است عناوین اعلامیه، اطلاعیه و پلاکارد حذف شده و تبلیغ له یا علیه نامزد هارا توسط مورد فوق الذکر به نحو کلی ممنوع شود.

۲۰- الصاق اعلامیه، عکس، پوستر و ...

در ماده ۶۰ مواردی که الصاق اعلامیه، عکس، و پوستر و ... ممنوع است بر شمرده شده است. اما با توجه به این که نظیر کلیه انتخاباتی که تاکنون برگزار شده در نزدیکی انتخابات شاهد زشت شدن چهره شهرها هستیم که گاهی این آثار تا سال های بعد نیز باقی می ماند، مناسب است که در ماده ۶۰ به جای این که موارد ممنوعه بر شمرده شود مقرر گردد که الصاق اعلامیه، عکس و پوستر فقط در اماکن مجاز که توسط شهرداری ها، وزارت کشور و یا سایر ارگان های ذی ربط نصب و تعیین می شود مجاز است و نصب عکس در اماکن عمومی فوق الذکر به تعداد یک عدد صورت پذیرد.

در سایر موارد نصب اعلامیه و عکس و پوستر در هر جایی ممنوع بوده و جرم شناخته شده و مأموران انتظامی حسب مورد برخورد نموده و یا افراد خصوصی در این مورد بتوانند طرح دعوا نمایند.
در این خصوص راه انداختن اتومبیل هایی که سراسر در آنها عکس نصب شده یا کارناوال ها، فرستادن بالن، بادبادک و ... به کلی ممنوع گردد.

۲۱- نوع و شکل تبلیغات

جهت جلوگیری از هر نوع اسراف کاری و هزینه های بی مورد و کاهش تشنجات در جریان انتخابات اگر چه در قانون انتخابات منتر شده که عکس ها باید در دو فرم بوده و استفاده از پوسترها رنگی در تبلیغات ممنوع است. ضروری است، در قانون انتخابات در جهت تعیین نوع و شکل تبلیغات به ترتیبی شرایط یکسانی برای کلیه داوطلبان در نظر گرفته شود که در این خصوص می توان مطالب ذیل را متذکر شد:

الف- استفاده از عکس و پوستر و اعلامیه تنها در دو قطع خاص به عمل آید که در قطع کوچک به صورت دفترچه ای زندگی نامه و برنامه و اهداف و ... درج شده و در قطع بزرگ عکس تبلیغاتی باشد.

ب- چاپ پوسترها و عکس ها و اعلامیه های تبلیغاتی فقط به صورت سیاه و سفید مجاز بوده و چاپ های حتی تک رنگ نیز ممنوع گردد.

ج- مقرر گردد که در عکس فقط صورت کاندیدا چاپ شود و از درج عکس تمام قد یا درج عکس نیم تنه و یا چاپ عکس فرد کاندیدا در کنار سایر افراد که معمولاً افراد موجه و معروف هستند اجتناب گردد.

د- نصب پلاکارد و تراکت و عکس های پارچه ای و ... در سطح شهر به کلی ممنوع شود.
ه- نوع و شکل و مطالب قابل چاپ بر روی پوسترها و عکس ها و اعلامیه ها به نحو استاندارد برای کلیه کاندیداها به صورت یکسان تعیین شود.

و- مکان های خاصی برای حضور کاندیداها در سطح شهر جهت سخنرانی و برخورد مستقیم آنها با مردم در نظر گرفته شده و بین کلیه کاندیداها به صورت یکسانی توزیع شده و یا به نحو یکسانی امکان بهره برداری کاندیداها از این اماکن فراهم گردد.

ز- از درج آیات قرآن، روایات و عبارات رهبر انقلاب، ائمه جمعه و ... در پوسترها و اعلامیه های تبلیغاتی خودداری گردد.

ح - از تبلیغات علیه سایر کاندیداها ممانعت به عمل آید.

ط - با عنایت به این که در برخورد های حزبی و گروهی فاقدتاً در جریان انتخابات تسویری ها و برنامه های سایر گروه ها و احزاب و دسته ها مورد نقد و بررسی واقع می شود، در ماده ۶۳ می تواند مقرر شود که فقط احزاب و گروه ها و دسته های سیاسی مجازند در اطلاعیه ها و اعلامیه ها و پوسترهایی که به نام گروه و حزب و دسته خود چاپ می کنند به نقد منطقی و علمی برنامه ها و تسویری های سایر احزاب و گروه ها و دسته ها بپردازند. چنانچه این امر موجب هتک حرمت و حیثیت اشخاص باشد این عمل جرم بوده و رهبر یا مسئول آن حزب و گروه و دسته به عنوان مجرم شناخته شده و مشمول مجازات گردد. همچنین مناسب است ضابطه خاصی در جهت مشارکت جریانات و احزاب و گروه ها و دسته های سیاسی در قانون پیش بینی شود. زیرا چنانچه فعالیت آنها مانعی ندارد به روشنی معلوم شود که فعالیت این ها در جریانات سیاسی از جمله انتخابات مانعی ندارد، مع ذلک چنانچه فعالیت رسمی آنها بدون پروانه و تصویب آن توسط وزارت کشور بلامانع است، باید به صراحت روشن شود. در هر حال قانون انتخابات ضروری است که وضعیت روشنی را برای چگونگی مشارکت احزاب و گروه ها و دسته های سیاسی تعیین نماید.^۱

۲۲- جرایم و تخلفات

مناسب است در این فصل سایر موارد از جمله تخلف در شیوه های تبلیغاتی، مخدوش نمودن چهره سایر نامزدها و ... نیز در زمره جرایم ذکر گردد. مضافاً بر این در فصل نهم که مجازات جرایم ذکر شده است متأسفانه برای کلیه جرایم مندرج در قانون انتخابات مجازات مشاهده نمی شود از جمله در خصوص خرید و فروش رأی، رأی دادن یا گرفتن با شناسنامه دیگری، رأی دادن بیش از یک بار، کم و زیاد کردن آرا یا تعرفه ها و ... به طور کلی به جر در خصوص بندهای ۱۶ و ۱۷ ماده ۶۵ در سایر موارد مجازاتی پیش بینی نشده است، به نظر می رسد اگرچه در مواردی سایر مقررات از جمله قانون تعزیرات (مجازات اسلامی) حسب مورد، موضوع را در بر خواهد گرفت، مع ذلک پیش بینی مجازات خاص در مواردی ضروری است، لذا به نظر می رسد که بخش جرایم و مجازات ها نیاز به تکمیل دارد.

همچنین در خصوص مواردی که فرد دیگری به سمت معاونت در بروز جرم دخالت نماید، در قانون مذکور مجازاتی برای معاون پیش بینی نشده است، لذا ضروری است با عنایت به قواعد کلی قانون تعزیرات در فصل نهم ماده ای بدین شرح افزوده شود:

«هرکس در جرایم خاص انتخابات (موضوع این قانون) معاونت نماید، حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در این قانون برای آن جرم محکوم می شود.»

همچنین در مواردی که ارتکاب جرایم موضوع قانون انتخابات به صورت جمعی و با مشارکت عده ای صورت می پذیرد باید آن را جزو کیفیات مشدده تلقی نمود و قاضی بتواند در چنین مواردی مرتکبین را به حداکثر مجازات محکوم نماید، بر این اساس در فصل نهم ماده ای بدین شرح می تواند افزوده شود:

«در صورتی که وقوع جرایم خاص انتخابات (موضوع این قانون) با اقدام بیش از دو نفر صورت پذیرد، مرتکبان به حداکثر مجازات تعیین شده در این قانون یا حسب مورد قانون تعزیرات محکوم خواهند شد.»

۱. مشکل ابهام و اجمال در مقررات مربوطه و چگونگی تبلیغات در نظرات گروه ها و احزاب سیاسی تأکید شده از جمله در اظهار نظر دریافتی از جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به چشم می خورد.